



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۲۰۱

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

۱۳۹۰ اردیبهشت

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: siavash_d@yahoo.com

سردبیر: سیاوش دانشور

اطلاعیه حزب

در باره کشته شدن بن لادن



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

جدال خامنه ای و احمدی نژاد:

یک گام به پس برای تهاجمی به پیش

در رودروئی اخیر دولت احمدی نژاد و خامنه ای موقعیت عمیقاً بحرانی جمهوری اسلامی بار دیگر بطور عریان خود را نشان داد. نه تلاشهای خامنه ای برای کنترل دهن دریدگی باندهای حکومتی جلوی مردم پاسخ داد و نه دولتیها و نه طرفداران دو آتشه خامنه ای گوششان بدهکار بود. همه دیدند که چه سطحی از لمپنیسم اسلامی در بالاترین سطوح حکومت رژه رفت. کسانی که با شکنجه گران و قاتلین و خودی ترین خودبها این رفتار را دارند، بیش از پیش تکلیف مخالفین درباری و متوهمینی که با قانون اساسی مشاعره میکنند، تا چه رسد به اکثریت عظیم مردم مخالف حکومت را روشن کرده اند. آنچه این هفته آمد و رفت میتوانست، و هنوز میتواند، به یک جدال درونی سهمگین و آغاز یک پروسه فروپاشی و اضمحلال جمهوری اسلامی منجر شود.

مضمون این جدال برسر چیست و چشم انداز آن کدام است؟ آتش بس و بند و بست کنونی مقدمه چیست و سیر محتمل اوضاع به کدام سو سیر میکند؟

دعاهای اخیر خامنه ای و احمدی نژاد برخلاف برخی تحلیلهای سطحی "جنگ زرگری" نبود. این جدالی واقعی و ناتمام است که باید به صورتی تمام شود. ما سال گذشته و با شکست استراتژی "اجرای بدون تنازل قانون اساسی" جنبش سبز تحت زعامت خامنه ای، تاکید کردیم که با حذف اصلاح طلبان حکومتی مرکز ثقل جدالهای درون حکومتی برسر بقای نظام بدون اردوی راست منتقل میشود. مسئله بسادگی اینست که آن سوال واقعی که مبنای جنگ جناح هاست،

صفحه ۲



قتل بن لادن

جنگ تروریست ها و استراتژی آمریکا

صفحه ۴

آذر ماجدی

پایان دادن به تروریسم کار ماست

درباره حملات تروریستی علیه آمریکا

صفحه ۶

گفتگو با منصور حکمت

قطعه نامه اول ماه مه:

شوراهای کارگران عسلویه

قطعه نامه مشترک

تشکلات کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

طبقه کارگر گروه فشار نیست!

صفحه ۸

کامران پایدار



شش کارگر در آتش سوختند!

صفحه ۱۲

سینا عیوضیان

اول مه ۲۰۱۱

گزارشهایی از ایران و خارج

در صفحات دیگر، کارگران فرش دلجان، کارگران مهندسی مشاوره یکم، کارگران بهدارو درمان، کارگران کامپیوتری فارسی وب، کارگران موج آسا، و ستون آخر.

جدال خامنه ای و احمدی نژاد:

یک گام به پس برای تهاجمی به پیش ...

یعنی بقای نظام، سرجایش است. مبانی بحران حکومت از اصلاح طلبان حکومتی شروع نشده تا با حذف آنان رفع شود. همه دیدند حکومتی که فرار بود با حذف اصلاح طلبان "یکدست" شود مثل جگر زلیخا شد. هر باندی دیگری را متهم به "فتنه و جاسوس و عامل آمریکا" و انواع اتهاماتی کرد که پاسخ اش در این نظام مرگ و نابودی است.

دور جدید جنگ بقا

این جنگی زرگری نبود، یک دورخیز برای گرفتن سنگرهای مهم درون حکومتی بود. نهادها و اهرمهایی که برای فرجام این جدال ضروری اند. این جنگی واقعی بود که تا آستانه بنی صدریزه کردن احمدی نژاد پیش رفت و تهدیدات خونین از جانب باندهای حکومتی در مرحله اجرا بود. این جدال تلاشی پیشا انتخاباتی به معنی اخص کلمه نبود اما نتیجه آن بر سرنوشت نمایش های انتخاباتی شوراها و ریاست جمهوری تأثیر میگذاشت. برخلاف تحلیلهای توده ایستی این ادامه "جنگ بین سپاه و آخوندها" نبود. بار دیگر روشن شد که باندهای حکومتی در درون دستگاه مذهب و آخوند تا سرویسهای امنیتی دولتی و خصوصی و سپاه و اوباش نیروی خود را دارند و همه اینها در همین یک هفته روی صحنه آمد. همینطور مسئله برسر قانون و اجرای آن و رعایت ضوابط نیست. جمهوری اسلامی از شخص خامنه ای تا دولت و انواع نهادهای حکومتی و اطلاعات و سپاه و همه چیزش به کسی جوابگو نیست. این رویدادها در پایه ای ترین سطح جنگ بر سر بقای حکومت در یک چهارچوب جدید داخلی و منطقه ای بود. در متن اوضاع ملتبه منطقه و تشدید بحران مزمن حکومت اسلامی، هر کشمکش و تضاد منافع

باز نیست. خامنه ای و شیپورکشانش در مجلس و حکومت برای اینکه چنین فرصتی را به احمدی نژاد ندهند، ناچارند بسرعت باند احمدی نژاد را بعنوان مختلف هرس و نهایتا خودش را مسئول همه شکستهای حکومت قلمداد کنند. یعنی همان کاری که احمدی نژاد قادر به انجام آن نشد. برای دو طرف سازش کنونی یک گام به پس برای تهاجم جدیدی به پیش است.

اسامی رمز

جدال ایندور باندهای حکومتی مانند همیشه با مشتیی تبلیغات و کلمات قصار و توخالی همراه بود. برخی قبول کرده اند که واقعا باند احمدی نژاد - مشائتی "ناسیونالیست و ضد آخوند و طرفدار آزادی زن" است! تعجب نکنید اگر چنین موجودات متحجری یک شبه جای ولتر و روسو را برای اینان بگیرند. ناگهان یادشان افتاد که مردم از آخوند و اسلام بیزارند و همزمان این تصویر را میدادند که گویا احمدی نژاد و مشائتی ایران پرست علیه آخوندها قیام کرده اند! اگر روزی عبارت "جامعه مدنی" برای دو جناح عامل پیشرفت و فساد بود امروز "مکتب ایرانی" و "تقابل با آخوند و حجاب اجباری" چنین نقشی را ایفا میکند. اینها اسامی رمز اند با تاریخ مصرف دوره ای. همین. اکبر گنجی دعوت به این کرد که اصلاح طلبان اگر دخالت نکنند اصولگراها به جان هم می افتند. آنهایی که خامنه ای را عامل "نفی جمهوریت" نظام میدانند تلویحا دلشان پیش احمدی نژاد بود و تذکر نقض قانون اساسی توسط خامنه ای میدادند. برخی از بغض خامنه ای با تکرار تبلیغات باند احمدی نژاد شرمگینانه مدافع او بودند و توصیه میکردند در جبهه جدید "خلق شان" احمدی

نژاد و جناح اش را قاجاق کنند.

مردم و جدالهای بالایی ها

برخلاف تبئین های ژورنالیستی که عمدتا پایه اش روی شایعه و مانورهای تبلیغاتی است، مردم بسیار پخته تر به این رویدادها برخورد کردند. در این میان کسی برای دو شخصیت منفور کلیدی نظام غش نکرد. زنان در چهره احمدی نژاد قاتل و اوباش ضد زن این را ندیدند که گویا مخالف حجاب و یا سختگیری کمتر در مورد حجاب اند. جوانان در چهره این مداحان و حزب الهی های قمه کش امام زمانی "تقابل با آخوند و اسلام" کشف نکردند. نسل جدید در ایران روشن تر و پخته تر از آنست که با این تبلیغات بوچ قانع شود. کارگرانی که توسط این و آن جریان دست راستی به "طرفدار احمدی نژاد" منتسب میشوند بیشترین اعتراضات و اعتراضات را یکسال گذشته صورت دادند و علیه حکومت اسلامی سرمایه داران به ریاست خامنه ای و احمدی نژاد فریاد زدند. نه، کسی دچار این اوهام نمیشود. آنچه مردم دیدند و اتفاقا حکومتی ها ندیدند علاقه شدید مردم به این بزن بزن بود. مردم به جان هم افتادن وسیع باندهای حکومتی و اقتضای که بار آوردند را به فال نیک میگیرند و تصمیم شان را برای خلاصی از جمهوری اسلامی قاطع تر میکنند. مردم تفرقه حکومت اسلامی را بر اتحادش ترجیح میدهند. حتی اگر جدال جناح ها به فاز تروریستی و حذف متقابل برود، مردم در ابتدا دخالت نخواهند کرد بلکه مترصد فرصت مناسب میشوند که کل این لاشه فرتوت را جارو کنند. *

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و بدست

دوستانتان برسانید!

یک دنیای بهتر مانیفست امروز طبقه کارگر علیه

سرمایه داری است!

یک دنیای بهتر برنامه حکومت کارگری برای

آزادی جامعه است!

آیا تسلیم احمدی نژاد به خامنه ای بیانگر اینست که در مرحله کنونی نیرو و امکان چنین کاری را نداشته و تنها زمین را داده است و زمان را گرفته است؟ این میتواند یک فرضیه واقعی باشد تنها ایرادش اینست که چنین فرصتی به روی او

دولت‌های تروریست و میلیتاریست و جنبش تروریستی اسلامی سیاسی مشروعیت ندارند. طرفین این تروریسم بین المللی از مشقات مردم بعنوان ابزاری ایدئولوژیک در جنگ قدرت استفاده میکنند. نیروهای مخوف اسلام سیاسی را خود دولتهای غربی پروراندند، مسلح کردند، و به زندگی مردم منطقه از جمله ایران حاکم کردند. اتفاقا برخلاف اظهارات پرو اسلامی رسانه های غربی بن لادن یک سمبل جنبش اسلام سیاسی بود.

راه مقابله با تروریسم دولتی شکست دورنمای میلیتاریستی آمریکا در جهان است. راه مقابله با تروریسم اسلامی حل مسأله فلسطین، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در ایران، عدم حمایت دولتهای غربی از حرکات و دولتهای اسلامی، و تقویت جنبشهای سکولار در این کشورها است. بدون حمایت دولتهای غربی تروریسم اسلامی در کشورهای منطقه از سکولاریسم و سوسیالیسم شکست میخورد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲ مه ۲۰۱۱

دولت آمریکا با کشتن بن لادن و انتقال جنازه او به آمریکا دوره ای به بهره برداری سیاسی و تلاش برای پوشاندن معضلات پایدارتر سیاسی و اقتصادی اش مشغول خواهد شد. اما در ورای این جست و خیزهای تبلیغاتی و دمیدن در ناسیونالیسم آمریکائی بسیار روشن است که هدف اساسی بمیدان آوردن بیش از پیش میلیتاریسم بعنوان یک رکن ایدئولوژی رسمی هیئت حاکمه آمریکا و سنگ بنای تعریف هویت آن بعنوان یک قدرت جهانی است. و بالاخره کشته شدن یک تروریست و آدمکش حرفه ای توسط تروریستهای مقابل "اجرای عدالت" نیست بلکه یک نقطه عطف در جدال تروریستی است. این تبلیغات تنها این حقیقت را اثبات میکند که "عدالت و اجرای آن" در چهارچوب ایدئولوژی بورژوائی تا چه حد مسخره و با منافع انسانهای کنکرت بیگانه است. از موضع قربانیان تروریسم اجرای عدالت بدون از میدان بدر کردن تروریسم بین المللی، چه اسلامی و چه غیر اسلامی، حرفی پوچ و تبلیغاتی سطحی است.

از نظر حزب اتحاد کمونیسم کارگری، منافع مردمی که از تروریسم بیزارند از منافع دولتهای میلیتاریست و جریانات تروریستی اسلام سیاسی جداست. از نظر ما

اطلاعیه حزب در باره کشته شدن بن لادن

یک چهره منفور و یک عنصر کلیدی شاخه ای از جنبش تروریستی اسلام سیاسی برای اردوی تروریسم دولتی پیروزی بزرگی محسوب میشود. نفس اینکه از بوش و اسلاف جهانی او تا اوباما و سران دولتهای اروپا در واقعه کشته شدن بن لادن خود را در یک صف یافته اند، بیانگر منافع پایه ای تروریسم دولتی و میلیتاریسم مستقل از تغییرات در دولتها و کابینه ها است. کشته شدن بن لادن در کوتاه مدت جنگ ارتجاعی تروریستها را تشدید میکند. اما کشته شدن بن لادن نه به معنی پایان جنگ تروریستهاست و نه در مبنای مادی جنگ و تخصص تروریستی دنیای امروز تغییری جدی ایجاد خواهد کرد. قربانیان دور جدید جنگ تروریستی در چهارگوشه جهان مردم بی دفاعی هستند که منافع شان توسط هیچکدام از طرفین درگیر نمایندگی نمیشود.

باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد "یک تیم کوچک عملیاتی آمریکا روز یکشنبه به محل اختفای اسامه بن لادن در شهر ابیت آباد پاکستان حمله کرد و موفق به کشتن او و گرفتن جنازه او شد". با اعلام این خبر موج وسیعی از تبلیغات جنگی دوره جرج بوش آغاز شد. بار دیگر رسانه ها، دولتها، مفسرین و کارشناسان بخط شدند و کشته شدن بن لادن را "اجرای عدالت" اعلام کردند! برای قربانیان تروریسم اشک تماشای ریختند و بر تداوم سیاست بوشیستی "جنگ علیه ترور" دمیدند.

تردیدی نیست که جهان بدون بن لادن ها و طالبان ها و خامنه ای ها و بدون کسانی که هیولای اسلام سیاسی را در مقابل کارگر و چپگرانی در خاورمیانه بجان مردم انداختند، جای ایمن تری است. بن لادن از طراحان اصلی جنایت ۱۱ سپتامبر و بسیاری از عملیتهای تروریستی دیگر بوده است. کشته شدن بن لادن بعنوان

انقلاب اجتماعی و کمونیسم

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیری را از میان برمیدارد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها مینشیند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد. هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

نه فقط تقسیم طبقاتی، بلکه تقسیم حرفه ای انسان ها از میان میرود. کلیه قلمروهای فعالیت خلاقه بر روی همگان باز میشود. شکوفایی هر فرد به شرط شکوفایی جامعه بدل میشود. جامعه کمونیستی جامعه ای جهانی است. مرزهای ملی و کشوری محو میشود و جای آن را هویت جهاتشمول انسانی میگیرد. جامعه کمونیستی جامعه ای است بدون مذهب، بدون خرافه، بدون ایدئولوژی و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسان ها. از میان رفتن طبقات و تضاد طبقاتی، دولت را به پدیده زائدی تبدیل میکند. در جامعه کمونیستی دولت زوال پیدا میکند. جامعه کمونیستی جامعه ای است بدون دولت. امور اداری جامعه از مجرای تعاون، همفکری، ارتباط و تصمیم گیری جمعی کلیه اعضاء جامعه حل و فصل میشود. جامعه کمونیستی به این ترتیب برای نخستین بار به آرمان آزادی و برابری انسان ها به معنی واقعی کلمه جامعه عمل میپوشاند. آزادی، نه فقط از ستم و سرکوب سیاسی، بلکه از اجبار و انقیاد اقتصادی و از اسارت فکری. آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی و در شکوفایی خلاقیت ها و عواطف والای انسانی. برابری، نه فقط در برابر قانون، بلکه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی جامعه. برابری شان و ارزش همه در پیشگاه جامعه.



افغانستان شد؛ بعلاوه، تروریسم دولتی یک بازاری افغانستانی را بر صندلی ریاست جمهوری و در واقع بر روی چاه میلیونها پولی که بنام کمک به توسعه افغانستان پرداخت می شود، نشانند. مردم افغانستان هر روز فقیرتر، مفلوک تر و درد کشیده تر شده اند، در عوض حکام جدید خودگمارده هر روز ثروتمندتر و بر سر چاپیدن و به صلابه کشیدن مردم هم رای تر.

عراق را به یک گورستان بزرگ بدل کردند. بیش از یک میلیون نفر طی ۸ سال اخیر بطور مستقیم یا غیرمستقیم در اثر جنگ کشته شده اند. تعداد بیشتری آواره شده اند. مردم را شقه شقه کردند و به آنها هویت شیعه و سنی دادند. باسم دموکراسی سکتاریسم مذهبی و قومی را در جامعه تعمیق کردند و گسترش دادند؛ موقعیت اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را در عراق تقویت کردند؛ جنگ تروریست ها را به وسط جامعه پاکستان کشیدند. در یکی دو سال اخیر هزاران نفر جان خود را در پاکستان در اثر عملیات تروریستی از دست داده اند. سال پیش یک میلیون انسان بدنبال حمله طالبان در پاکستان آواره شدند. شعله جنگ را به لبنان کشاندند؛ موقعیت فلسطینی ها بیش از پیش وخیم تر شد. نوار غزه به یک زندان بزرگ بدل شد. طی ده سال اخیر کل منطقه مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر شرایط جنگی قرار داشته است. تهدید تروریسم یک تهدید دایمی است که بالای سر مردم قرار دارد. این حاصل ده سال جنگ تروریست های برای مردم منطقه بوده است. در دنیای غرب نیز به بهانه

صفحه ۵

قتل بن لادن

جنگ تروریست ها و استراتژی آمریکا

آذر ماجدی

و پاکستان دچار اغتشاش می شود؟ نیروهای ناتو از افغانستان خارج می شوند؟ این سوالات را میزگردهای ژورنالیستی مشغول بررسی اند. اما دو سوال دیگر که کسی به آن نمی پردازد نیز به ذهن متبادر می شود: آیا زمان این عملیات به شرایط منطقه و تحولات سیاسی زیر و رو کننده در آن بی ربط است؟ آیا نباید مذاکرات میان دو سازمان الفتح و حماس و امضای سریع السیر قرارداد همکاری و اتحاد آنها در قاهره را با این عملیات در متن گسترده استراتژی جدید آمریکا در قبال خاورمیانه مرتبط دانست؟ این سوالات باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

دنیا بعد از مرگ بن لادن

جنگ علیه ترور که اسم رمز جنگ های خانمان براندازی است که غرب به سرکردگی آمریکا در ده سال اخیر در خاورمیانه دامن زده است، آنچه ما بدرست آنرا جنگ تروریست ها خوانده ایم، بدنبال حمله تروریستی القاعده به دو برج در نیویورک و حملات همزمان هوایی به نقاطی دیگر در آمریکا آغاز شد. سیاست نظم نوین جهانی ای که بوش و تاچر بدنبال سقوط شوروی و به بهانه حمله عراق به کویت به اجرا گذاشتند، بدنبال این عملیات تروریستی اوج و خون تازه ای یافت. هیات حاکمه آمریکا به

رهبری جرج بوش پسر، در این فاجعه تروریستی یک بهانه و فرصت بسیار مناسب برای نشان دادن قدرقدرتی خویش و استقرار نظم نوین جهانی تشخیص دادند. جنگ تروریست ها دنیای پس از یازده سپتامبر را رقم زد. میلیون ها انسان کشته و مجروح و بی خانمان شدند. بمباران های متعدد در افغانستان و حاکم کردن لویاگره متشکل از فسیل های ایلاتی و مذهبی نصیب مردم رنج کشیده

اعلام کرد ناتو بحرف های ما گوش نداد و در شکار بن لادن ما را بمباران کرد و بخاک و خون کشید، در حالیکه در تمام این مدت بن لادن در پاکستان حضور داشت. رژیم اسلامی هم قدرت آمریکا را به ریشخند و تمسخر گرفت. اینها همه درون همان طیف جانورانی قرار دارند که دنیا بدون آنها مکانی امن تر، انسانی تر و بهتر خواهد بود. اما از آنجا که ما در دنیایی وارونه زندگی می کنیم، هر یک از اینها دارد از مرگ بن لادن برای خویش توشه می بندد. مساله اینجاست که اینها هیچیک درد و مشقت مردمی که محکوم به زندگی تحت تروریسم اسلامی هستند، میلیونها نفری که در جنگ تروریست ها جان خود را از دست دادند، زندگیشان با خاک یکسان شد و عزیزانشان در خاک و خون غلطیدند، نمایندگی نمی کنند. اینها همه در تشدید جنگ تروریست ها و ویران کردن یک منطقه، به گورستان تبدیل کردن یک جامعه و به راندن بخشی از جوانان مستاصل به دامن تروریسم اسلامی نقش داشته اند. اگر در دنیا عدالت واقعی حکمفرما بود، تمام این جک و جانورها باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه می شدند.

در ورای این تلاش های ارتجاعی برای توشه بستن از مرگ بن لادن، در ورای احساسات ناسیونالیستی آمریکایی، در پی مرگ بن لادن سوالاتی اساسی طرح می شود. آیا با مرگ بن لادن جنگ تروریست ها تشدید می شود یا کاهش می یابد؟ آیا باید منتظر عملیات تروریستی در گوشه و کنار دنیا باشیم؟ رابطه آمریکا

قتل بن لادن موجی از احساسات ضد و نقیض و تحلیل های ژورنالیستی و سیاسی را برانگیخت. مرگ یک جانور قاتل و آدمکش، بویژه زمانیکه این جانور در راس یک شبکه سیاسی - ایدئولوژیک ارتجاعی و تروریست قرار دارد، بی شک ترحم و تائیری، بجز در میان هوادارانش بر نمی انگیزد. دینا قطعا بدون بن لادن و جانورهای مشابه، از قبیل خامنه ای و تمامی سردمداران رژیم اسلامی، رهبران جنبش اسلامپستی و رهبران قطب تروریسم دولتی، مکانی امن تر، انسانی تر و بهتر است. این واقعیتی انکار ناپذیر است. اما احساسات سرازیر شده صرفا به خوشحالی یا هیجان از این مرگ محدود نمی شود. احساساتی که ایدئولوگ های ارتجاع بر می انگیزند، بحق قابل بررسی و نگرانی است. اخبار و گزارشات حکایت از غلیان احساسات ناسیونالیستی در آمریکا دارد. اوباما در اعلام خبر عملیات قتل اوساما بن لادن دقیقا بر رگ ناسیونالیستی انگشت گذاشت: امروز بما یادآوری شد که بعنوان یک ملت، قادر به انجام هر کاری هستیم. این پیام ناسیونالیستی همانگونه که انتظار می رفت پیش درآمد غلیان موجی از جینگوویسم و ناسیونالیسم آمریکایی بود.

از آنطرف در پاکستان ارتجاع در اپوزیسیون با ارجاع به حق استقلال ملی تلاش دارد فضای ناسیونالیستی - ضد غربی در پاکستان را دامن زند و بر آن برای بقدرت رسیدن سرمایه گذاری میکند. در افغانستان، کارزای که توسط تروریسم دولتی در پی فاجعه یازده سپتامبر بقدرت رسید و آوازه زدای های خود و خانواده اش مرزها را درنوردیده است، ژست قربانی بخود گرفت و

بیشتر بود. اما بنظر می رسد که این دو واقعه اخیر که در فاصله دو سه هفته بوقوع پیوسته است ربط مستقیمی به اوضاع ملتهب منطقه و بیخاستن مردم ستمدیده و منکوب شده خاورمیانه و آفریقای شمالی دارد. بنظر می رسد که دولت آمریکا در راس قطب تروریستی متوجه وخامت شدید اوضاع شده است و دارد استراتژی جدیدی را برای حفظ قدرت و نفوذ خود و حفظ پایه های نظام سرمایه داری و ممانعت از قدرت گیری نیروهای انقلابی و اسلامیت های افراطی اتخاذ می کند.

بنظر می رسد که ورق خوردن صفحه جنگ تروریست ها یک عنصر مهم در این استراتژی جدید باشد.

جنگ تروریست ها

فاجعه تروریستی یازده سپتامبر فرصت، توجیه و بهانه خوبی برای حمله به منطقه و اثبات قدرتی آمریکا و تثبیت نظم نوین جهانی آن بود. شکار بن لادن در غارهای افغانستان یک بهانه و توجیه حمله به منطقه بود. گسترش جنگ به عراق، لبنان و پاکستان تحت عنوان جنگ علیه تروریسم تلاش ها و پرده هایی خونین در این استراتژی ارتجاعی بودند. این جنگ با مرگ بن لادن که در دامن آمریکا رشد کرد و به این مقام رسید، به پایان نمی رسد. خاتمه تروریسم اسلامی کاملا منوط به حل دو مساله اساسی در منطقه است. برای حاشیه ای کردن اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی قبل از هر چیز باید مساله فلسطین به شکلی عادلانه حل شود؛ تشکیل دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطین یک رکن اساسی است. مساله فلسطین به یک زخم چرکین در منطقه بدل شده است.

1- برای تفصیل موضع حزب در باره مسئله فلسطین به قطعنامه حزب مراجعه کنید.

قتل بن لادن

جنگ تروریست ها و استراتژی آمریکا ...

تروریسم بسیاری از آزادیهای مدنی و فردی را ملغی کرده اند؛ در روز روشن در زندانهای آمریکا زندانیان را تحت شکنجه قرار می دهند و از آن دفاع هم می کنند. تمام زندگی شهروندان تحت کنترل مستقیم دولت قرار دارد. جامعه بعد از یازده سپتامبر همانگونه که پیش بینی کرده بودیم بسیار تاریک تر و سیاه تر از پیش شد. جدال دو قطب تروریسم دنیا را به ورطه تشدید ارتجاع کشانند.

چرا الان؟

زمان انجام این عملیات بسیار سوال برانگیز است. می گویند بن لادن بیش از ۵ سال است که در این مکان زندگی می کرده است. در حدود ۴ کیلومتری مهمترین آکادمی نظامی پاکستان، یعنی در یک منطقه از نظر امنیتی بسیار حساس و تحت کنترل، در ۶۰ کیلومتری اسلام آباد پایتخت این کشور و در یک ویلا یک میلیون دلاری. این فاکت ها تصویر را بسیار پیچیده می کند. ضد و نقیض گویی های دولت آمریکا چند ساعت پس از اعلام خبر توسط اوباما شروع شده است. هر ساعت حرف ساعت پیش خود را نفی می کنند. دولت پاکستان هیچ عکس العملی نشان نداده است. در عین حال در همین دو سه هفته اخیر، پس از افشای بند و بست های متعدد و پنهانی الفتح با دولت اسرائیل، اعلام شد که با وساطت دولت جدید مصر، یعنی ارتش این کشور، الفتح و حماس دارند نه تنها مصالحه می کنند، بلکه بسوی وحدت پیش می روند. امروز چهارشنبه ۴ مه ۲۰۱۱ حماس و الفتح قرارداد همکاری خویش را در قاهره با مضا رساندند. ظاهرا کسی به مخالفت های دولت اسرائیل وقعی نگذاشته است. دولت آمریکا هم تقریبا مساله را زیر سبیلی رد کرده است. ارتش مصر دست ساز آمریکا است؛ الفتح در صورت قطع کمک های مالی آمریکا بخاک سیاه می نشیند؛ چگونه است که پس از سقوط مبارک این اولین دستور دولت تازه بقدرت رسیده مصر می شود؟ باید منتظر افشای فاکت ها و حقایق

حالا با مرگ بن لادن، رهبر القاعده و از طراحان و مسئولین کشتار هزاران نفر در عملیات تروریستی، برخی خوش بینانه در این تصوراند که جنگ تروریست ها به پایان می رسد. استدلالشان شکار تروریستی است که ظاهرا این جنگ را موجب شد. برخی دیگر نگران تشدید جنگ تروریست ها هستند؛ با این استدلال که القاعده و اسلامیت ها مرگ بن لادن را انتقام خواهند گرفت و ما شاهد موج عملیات تروریستی خواهیم بود. در واقع باید گفت که با مرگ بن لادن صرفا فصلی از کتاب جنگ تروریست ها ورق خورده است. این جنگ با بهانه ها و توجیحات دیگری ادامه خواهد یافت. اما مرگ بن لادن بر شدت و ضعف این جنگ تاثیری نخواهد گذاشت. بن لادن عملا یک بهانه برای آغاز این جنگ بود و اخیرا دیگر صحبت زیادی هم از او نمی شد. برای پایان جنگ تروریست ها باید ریشه تروریسم و پایه مادی آنرا از بین برد. اینجاست که بنظر می رسد زمان این عملیات بیش از هر چیز بخشی از استراتژی جدید آمریکا در قبال منطقه در شرایط جدیدی است که جنبش های توده ای مردم علیه رژیم های استبدادی و مطلقه حاکم و برای آزادی و عدالت بوجود آورده

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به

چه منجلا بی تبدیل میشود!

منصور حکمت



منصور حکمت (زبان، ژانری، ۱۳۲۰ - ۱۳۸۱)
Mansoor Hekmat (Zhaban, Janri, 1320-2002)

و نظامی دیگر در جهان سرمایه داری تعریف میشود و نه در برابر افغانستان یا عراق و یا جهاد اسلامی و حماس. ابر قدرتی آمریکا به معنی فعال مایشانی اش در جهان است و نه نفوذناپذیر بودن فرودگاهها و نسوز بودن ساختمان هایش. و فضای امروز جهان، پس از این واقعه، درست مانند دوران پس از اشغال کویت توسط عراق، فضای ابراز وفاداری مجدد قدرتهای دیگر غربی به آمریکا و تسلیم به تمایلات سیاسی و نظامی هیات حاکمه آمریکاست. این جنایت تروریستی به آمریکا یک چک سفید برای دخالتگری نظامی در هر جای دنیا و تاکید مجدد بر زعامت جهانی خودش میدهد. حال آنکه تا یکروز قبل، دولت آمریکا بخاطر طرفداری شور و لجاجزانه اش از اسرائیل و شانه بالا انداختنش در برابر قرارداد کیوتو (درباره حفظ محیط زیست) از طرف محافل بالا و رسانه ها در کشورهای غربی زیر فشار قرار گرفته بود. آمریکا از این واقعه بعنوان تخته پرش و بهانه و مقدمه ای برای یک قدرتمایی نظامی استفاده خواهد کرد. در کوتاه مدت همه قدرتهای غربی بله قربان خواهند گفت و خریدار خواهند ایستاد. در میان مدت اما، معادلات دیرپا تر اقتصادی و سیاسی مجدداً نقطه تعادل را به ضرر آمریکا تغییر خواهند داد.

هفتگی: بلحاظ سیاسی آیا این واقعه موضوعاتی مانند صلح خاورمیانه و مساله فلسطین را تحت تأثیر قرار میدهد؟ چگونه؟

منصور حکمت: در کوتاه مدت قطعاً همه

صفحه ۷

پایان دادن به تروریسم کار ماست

گفتگو با انترناسیونال هفتگی

درباره حملات تروریستی علیه آمریکا

در تیررس آمریکا نباشند، بلکه برای قدرتمایی در سطح جهانی و همینطور بدلیل فاکتورهای روحی و روانشناسانه داخلی در خود آمریکا. آمریکا میان یک راه سیاسی موثر برای مقابله با تروریسم ضد آمریکایی و یک راه نظامی بیخاصیت، حتماً دومی را انتخاب میکند. چون تبیین آمریکا از خودش و از ابر قدرتی خودش، بر قدرت نظامی آن بنا شده.

در مورد ابعاد عکس العمل آمریکا هنوز قطعیتی وجود ندارد. فکر نمیکند خودشان بمب انداختن و موشک زدن از راه دور به شهرها و مناطقی از افغانستان را اقدامی کافی بدانند. اگر طالبان بن لادن را تحویل بدهد، شاید ابعاد نظامی عکس العمل آمریکا محدود بماند. اما در غیر اینصورت قاعدتاً نوعی اشغال نظامی و پیشروی زمینی در افغانستان یا حتی در عراق را در دستور میگذارند. این خیلی چیزها را عوض میکند. چهره سیاسی دنیا عوض میشود.

هفتگی: در عکس العمل های اولیه به این واقعه در خود آمریکا از ضعفهای امنیتی و اطلاعاتی صحبت شده است. بطور واقعی در خاک آمریکا به ساختمان وزارت دفاع و مهمترین مرکز مالی حمله شده و تعداد زیادی مردم قربانی شده اند. تأثیر این واقعه روی موقعیت آمریکا در جهان بعنوان ابر قدرت چیست، آمریکا برای جلوگیری از افت موقعیت خود چه اقداماتی ممکن است انجام دهد؟

منصور حکمت: بنظر من اتفاقاً این تروریسم به نفع تثبیت چهره آمریکا بعنوان یک ابر قدرت کار میکند. ابر قدرتی آمریکا امری است که در برابر قطب های اقتصادی و سیاسی

مسبب آن فاجعه بودند. اما اینبار از قرائن چنین بر میآید که یک جریان اسلامی پشت این جنایت بوده است. خصلت انتحاری عملیات، این واقعه را در سنت جریان اسلامی قرار میدهد. اینکه کدام سازمان اسلامی و یا چه ترکیبی از سازمانها و دولتها پشت این حمله بوده اند مبهم تر است. ابعاد عملیات، وجود ۴ تیم با چهار خلبان آموزش دیده برای پرواز هواپیماهای مسافربری که آماده خودکشی بوده اند، نشان از یک طرح دراز مدت ۴-۵ ساله دارد. اینکه سرنخی از چنین طرح بزرگ و دراز مدتی به سازمانهای جاسوسی غرب درز نکرده، حاکی از این است که منابع اطلاعاتی دولتهای غربی در درون این جریانات نفوذ زیادی نداشته اند، و اینهم به خارج از آمریکا و اروپا اشاره میکند. با اینحال با قطعیت نمیتوان درباره عواملان و علل این حمله اظهار نظر کرد. دولت آمریکا و رسانه ها اساساً روی گروه بن لادن متمرکز شده اند.

هفتگی: مقامات آمریکا صحبت از انتقام و تنبیه تروریستها و کشورهای طرفدار تروریسم میکنند. بن لادن مورد اتهام است و میگویند اگر طالبان وی را تحویل ندهد احتمالاً به افغانستان حمله میکنند. نظر شما در اینمورد چیست؟

منصور حکمت: بنظر من آمریکا و ناتو قطعاً به یک عملیات بزرگ خشونت آمیز دست میزنند. نه لزوماً و یا اساساً برای تنبیه عاملین این واقعه، که ممکن است اصولاً

هفتگی: در اثر حملات تروریستی و انتحاری به آسمانراشهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان پنتاگون در واشنگتن هزاران نفر از مردم آمریکا جانشان را از دست دادند. موضع حزب کمونیست کارگری ایران در قبال این واقعه چیست؟

منصور حکمت: حزب کمونیست کارگری فوراً اطلاعیه ای در این باره صادر کرد. ما این اقدام را بعنوان یک جنایت عظیم علیه بشریت، یک نسل کشی تمام عیار محکوم میکنیم. دل ما با مردم به خون کشیده شده آمریکاست و عمیقاً در اندوه آنها شریکیم. سازمانها و دولتهای مرتجع تروریسم را به گوشه ثابت زندگی در عصر ما تبدیل کرده اند. ما معتقدیم میشود و باید به نیروی مردم به تروریسم، اعم از دولتی و غیر دولتی خاتمه داد. برای ما روشن است که این واقعه، علاوه بر ابعاد باورنکردنی جنایتی که مستقیماً صورت گرفته است، تازه مقدمه اوچگیری بیشتر مسابقه تروریستی در سطح جهان است. یک روز سیاه، پیش درآمد مصائب بیشتر. فزاینده ما به مردم اینست که به میدان بیایند و دنیا را خود بدست بگیرند. باید جهان را از دست بمب گذارها و ژنرالها درآورد.

هفتگی: این اقدام تروریستی توسط کی انجام شده و چه هدفی را دنبال میکند؟

منصور حکمت: هنوز حقایق این ماجرا روشن نشده است. احتمالات گوناگونی میتواند وجود داشته باشد. در ماجرای اوکلاهما بسرعت معلوم شد که محافلی از راست افراطی در خود آمریکا

پایان دادن به تروریسم کار ماست

غرب دامن بزند؟

چیز تحت الشعاع این واقعه قرار میگیرد. طرفین کشمکش در فلسطین و اسرائیل اکنون هردو بهت زده و بیحرکت و نگرانند. عرفات بسرعت خود را به میکروفن میرساند و محکوم میکند تا مبادا گوشه ای از گناه را به پای او بنویسند. سران اسرائیل بشدت از این فرمولبندی که این واقعه امتداد مساله فلسطین و عکس العملی در برابر خشونت‌های اسرائیل است برآشفته میشوند و از خود سلب مسئولیت میکنند. اما تأثیرات این واقعه در میان مدت بستگی به عکس العمل اولیه آمریکا در برابر این واقعه دارد. اگر یک قدرتمایی خونین علیه سازمانهای اسلامی صورت بگیرد، آنوقت در پایان ماجرا، همانطور که در پایان حمله به عراق دیدیم، یک سیکل دیپلوماسی برای صلح دادن دو طرف بر متن این نقطه تعادل جدید نظامی آغاز میشود. اما مساله فلسطین و موقعیت اسرائیل و اعراب ریشه های سخت تری در واقعیات محلی دارد. صلح در فلسطین بدون به چپ چرخیدن هردو جامعه در اسرائیل و در فلسطین مقدور نیست. سکولاریسم و عدالت طلبی در هر دوسوی این کشمکش باید بر قوم پرستی و مذهب چیره بشود، تا صلح ممکن بشود. مساله فلسطین راه حل نظامی ندارد. اعراب بر نمیدارد. در نتیجه نهایتاً تا نگرش دو جامعه نسبت به هم و صف بندی سیاسی میان چپ و راست در درون هردو تغییر نکند، مساله بجای خودش میماند.

هفتگی: در تبلیغات تاکتونی مدیای غربی این حملات تروریستی را تقابل با دمکراسی تعریف کرده اند و بعضی از "کشورهای اسلامی" را بنوعی در این تقابل گذاشته اند، آیا این ممکن است به رشد راسیسم در

هفتگی: در اطلاعیه حزب اشاره شده فاجعه نیویورک حلقه ای در تشدید یک مسابقه تروریستی است، مسابقه ای که اکثر دولتهای جهان از یک طرف و جنبش های ارتجاعی و بویژه اسلامی از طرف دیگر در آن شرکت دارند. چگونه به این مسابقه باید افسار زد و بنظر شما حزب کمونیست کارگری چه نقشی باید در مبارزه علیه تروریسم ایفا کند؟

منصور حکمت: پایان دادن به تروریسم کار ماست. کار مایی که برای برابری حقوق و حرمت انسانها و به کرسی نشاندن ارزش آنها تلاش میکنیم. تروریسم دولتی را با بزیر کشیدن دولتهای تروریست باید خاتمه دارد. تروریسم غیر دولتی را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی

جریانات و سازمانهای مرتجع ضد بشری میکند، از بین برد. با افشای مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی و هر ایدئولوژی منحنی که برای انسان احترام قائل نیست. پاسخ ما مبارزه برای ایجاد جوامع باز و آزاد و برابر است که در آن آدمیزاد و جان و حرمت و آسایشش ارزش داشته باشد. حزب کمونیست کارگری و احزابی نظیر ما، با هردو سوی این مسابقه تروریسم مقابله میکنند. با دولتهای مرتجع و با جنبشها و احزاب مرتجع. اما فعلاً چهره جهان را آنها ترسیم میکنند. ما و احزابی نظیر ما، باید بشریت نوعدوست و آزادیخواه را علیه کل این اوضاع به میدان بکشیم. و تا چنین نشده، این بساط ادامه دارد.

۲۳ شهریور ۱۳۸۰ - ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

کتاب کنترل کارگری

را از سایت حزب دریافت و
توزیع کنید!

منصور حکمت: در رسانه های غربی رجعت محدودی به تزه های "نبرد تمدنها"ی هانتینگتون را شاهد بوده ایم. اینکه این یک جدال "تمدنی" است، حمله ای است به "روش زندگی" غربی و به دموکراسی و غیره اینجا و آنجا شنیده میشود. اما حرکت بستر اصلی جامعه، و حتی خود سخنگویان دولت آمریکا، گواه این است که یخ این دیدگاه نمیگردد. من نگران عروج راسیسم در پی این ماجرا نیستم. راسیستها حتما مدتی فعال تر میشوند و تحریک میکنند، اما جامعه غربی پشیمان میزند. برعکس، بنظر من مردم آمریکا، تا آنجا که از دور میشود فهمید، وقار و انسانیت تحسین برانگیزی در برابر چنین فاجعه تکان دهنده ای از خود بروز داده اند. بنظر من مردم آمریکا حتی یک عکس العمل نظامی بلاتبعیض از دولت آمریکا علیه مردم خاورمیانه را بسادگی نخواهند پذیرفت. این واقعه بزرگ تر از آن است که با کلیشه های رایج و پروپاگاندا بشود سراغش رفت. در نتیجه بنظر من جامعه غربی به این واقعه برخورد پیچیده تر و بالغ تری خواهد کرد. تکنولوژی ارتباطاتی امروز در جهل نگاهداشتن مردم و تعصب خوراندن به آنها را دشوار تر کرده است. همان تلویزیونی که فاجعه نیویورک را جلوی چشم جهان میگیرد، انهدام کابل را هم منعکس میکند. و کسی که بر فاجعه نیویورک اشک ریخته باشد، نخواهد توانست بسادگی برای تکرارش در کابل هورا بکشد.

طبقه کارگر گروه فشار نیست!

کامران پایدار

با گذشت بیش از ۱۰ سال از فروپاشی نظام سرمایه داری دولتی و سوسیالیسم بورژوازی اردوگاهی، کماکان در گوشه و کنار بقایای چپ سنتی و مذهبی شرق زده جست و خیز سیاسی دارد. این چپ و این گرایشات غیر کارگری طبق تعریف نه از دل جنبش کارگری بیرون آمده و نه با این جنبش دارای یک رابطه منطقی و عملی مستمر است، و نه به واسطه ماهیت غیر اجتماعی خود میتواند سختی با جنبش کارگری داشته باشد.

ناسیونالیسم مذهبی، فرقه گرایی، ریاضت سیاسی و انزوای اجتماعی، جزم گرایی و عدم تعلق به نیرو و توان طبقه کارگر در عمل برای انجام انقلاب سوسیالیستی و رهایی کل بشریت، از جمله از ویژگیهای این جریانات غیر کارگری و در مواردی صریحا ضد کارگریست. نگاه کنید به آنهایی که خودشان را "کمونیست و سوسیالیست" مینامند اما به گوشه ای در انزوای ناسیونالیسم مذهبی و چهارچوبه های جزمی و فرقه ای محدود و بسته حزبی و سازمانی شان خزیده اند. کسانی که شعار سوسیالیسم آذین بند و پترین سیاسی شان است ولی پادشان نمیرود که دل ناسیونالیستهای حاکم در عراق که گلوله هایشان سینه های کارگران را میشکافتند را نرنجانند. یا سکوت در مقابل جنایت سیاست شان است و یا وقتی سکوت را میشکنند پادشان هست که "نوک تیز" حمله و نقدشان را متوجه کمونیستها کنند. و یا جریانات و محافل سندیکالیستی راست که هر یک در پیشینه خود کارنامه ای از سازش با حکومتها را محفوظ دارند که عمدتا بخشی از ضایعات همین احزاب و نیروهای چپ سنتی و شبه مذهبی اردوگاهی

میباشند. نگاه کنید توده ای اکثریتی های همیشه موثلف ارتجاع اسلامی را که فرخ نگهدارشان چه جانانه و بمتابه کاسه داغ تر از آش به استقبال اجرای طرح جنایتکارانه حذف سوبسیدها و یارانه ها توسط حکومت اسلامی سرمایه داران میروند. طرح جنایت آلودی که برای کارگران و زحمتکشان ارمغانی جز فقر و فلاکت بیشتر، بیکاری و محرومیت روز افزون ندارد.

اینان هم به همان مقیاس اسلاف بزرگترشان البته به شکل کمیک تری نسبت به خواستگاه و منافع طبقه کارگر بیربط و نامربوط اند. این گرایشات با وجود تفاوتهای واقعی و ظاهری و علیرغم تکیه کلامهای صوریشان و کارگر کارگر گفتن های مکرر برخی شان، به سیاست و آرمان هر قشر و طبقه دیگری تعلق دارند جز کمونیسم طبقه کارگر. این ادعا نیست بلکه پراتیک شان همین را اثبات میکند. سوسیالیسم بورژوازی و غیر کارگری وجود دارد تا مقابل اعتراض سوسیالیستی و کمونیستی کارگر بایستد و روز خودش هم این استعداد را بالقوه دارد که در مقابل انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر و حزبی از موضع دمکراسی اپوزیسیون شود.

اما طبقه کارگر گروه فشار نیست. طبقه کارگر یک جریان منزوی و غیر اجتماعی نیست. طبقه کارگر سکت و فرقه مذهبی از جنس اهورایی و فرشتگان آسمانی هم نیست، طبقه کارگر فرشته اسیر و مظلومی نیست تا ریش سفیدان

و پیشوایان مذهبی با ژست های عالمانه برایش در معابد و در انزوا در باغچه و بیابان و کوه و کمر یواشکی تا کسی نشنود و متوجه نشوند برایش اوراد رهایی بخوانند! طبقه کارگر نیازی به قیم و وکیل وسی ندارد تا برایش با سرمایه داران دزد و حکومت نوکرشان چانه زنی کند که شاید اجازه دهند تا مراسم روزش را برگزار نماید یا نه! طبقه کارگر نیاز به سیاست بازان فرصت طلبی ندارد تا او را وسیله سواری دادن به طبقات دیگر قرار دهند. آخر مگر سرمایه دار و حکومتش برای بهره کشی و استثمار و سرکوب و جنایت از کارگر کسب اجازه کرده اند؟ همه این گرایشات متوهم و غیر انقلابی برخلاف ظاهر پر رنگ و لعابشان میتوانند به هر چیزی و جایگاهی متعلق باشند غیر از جایگاه طبقه کارگر. آنهم در کوران یک مبارزه پر فراز و فرود انقلابی. اگر نخواستیم باشیم خود فریبی کنیم، کارگر بعنوان یک طبقه عظیم زندگی ساز اجتماعی جایگاه خاص خودش را دارد. طبقه کارگر مجموعه بسیار گسترده ای از هزاران و میلیونها انسان کارکن، زحمتکش و محرومی است که همه چیز و همه زندگی را با کار اجتماعی خود می آفریند، می آفریند و خلق میکند اما خودش از همه نعمات زندگی محروم است و در عین حال مالکیتی هم بر ابزار و آلات تولید ندارد.

در مقابل طبقه انگل سرمایه دار که کار نمیکند همه سهم تولید را میبرند و در عین حال مالکیتی مطلق هم بر ابزار تولید و همه چیز دارند. سرمایه داری بواسطه پلیس و ارتش و سرکوب، بواسطه سازمانهای جهنمی جاسوسی اطلاعاتی، به واسطه مسجد و کلیسا و دانشگاه، به واسطه همه تربیونها و ژورنالیستهای مزدور و با توسل به همه لطایف الحیل میکوشند تا این نظم کثیف و ضد انسانی بر دوام باشد. آیا در همچین شرایطی میتوان طبقه کارگر و خواستهایش را در جایی پنهان داشت و برایش جشنی برپا نمود تا شاید رها شود؟ آیا با چانه زنی و معامله گری سیاسی طبقه کارگر به نتیجه ای میرسد؟ آیا با سرمایه داران و

حکومتشان که برای کارگرانی که ماههاست دستمزد هایشان معوق شده، حکم زندان و شکنجه و شلاق صادر میکنند میتوان و شایسته است که کسب اجازه کنیم تا مراسم اول مه برگزار شود؟ آیا اگر در باغی و باغچه و بیابان و هر گوشه متروکی چند نفری که حتی ذهنیت و شناخت و افق و درک شفاف و روشنی از طبقه کارگر و افق برپایی یک جامعه سوسیالیستی به نیروی طبقه کارگر ندارند بیابند دور هم جمع شوند آنهم حتی دور از چشم و بدون اطلاع خود کارگران! اطلاعیه و قطعنامه یا هر چیز دیگری بخوانند آیا اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا با اینکار پیامبری از آسمان نزول میکند و ناجی طبقه کارگر خواهد شد؟

بی تعارف، همه اینها تراوشات هویت غیر کارگری و غیر کمونیستی این جریانات است. طبقه کارگر بطور دهها و صدها میلیونی در کارخانه های بزرگ و کوچک حضور دارد. از صبح تا شب توسط سرمایه داران انگل و حکومتهای کارگزارشان مورد استثمار و بهره کشی و سرکوب و تحقیر قرار میگیرد و آخر شب با جیب خالی، خسته و درمانده و بیمار راهی خانه اش در حواشی فقر زده شهرهای بزرگ میشود. با قدرت سرکوبگر ارتش و پلیس و حکومتهای وحشی و جنایتکار به اسارتش گرفته اند. کارگر بطور خشن در کارخانه استثمار میشود و بیرون کارخانه برای بورژوازی فاقد هویت اجتماعی و انسانی است. کارخانه محل کار و منشا قدرت طبقه کارگر است. کارخانه دقیقا همان جایی است که طبقه کارگر باید بدو در آنجا علیه سرمایه سنگرها را بپا کند و برای تعیین تکلیف با سرمایه در مقیاس جامعه وارد شود. بیرون کارخانه، کارگر بعنوان شهروند امیزه قدرتی ندارد و حتی توسط فرهنگ حاکم و بورژوازی بحساب نمی آید و قدرتش از دیگر شهروندان کمتر نباشد بیشتر نیست. کارگر و طبقه کارگر اسطوره و هیولا نیست، یک جنبش واقعی اجتماعی و طبقاتی است که

قطعنامه شوراهای کارگران عسلویه بمناسبت اول ماه مه

بنا به خبر دریافتی، کارگران پالایشگاههای عسلویه طی برگزاری مجمع عمومی قطعنامه زیر را بمناسبت اول ماه تصویب و منتشر کرده اند. همینطور در روز اول ماه کارگران در بخشهای مختلف روز کارگر را به همدیگر تبریک گفتند و با پخش شیرینی اول ماه را گرامی داشتند.

کارگران عسلویه در ماه گذشته اعتصابات و تحریکات پرشوری داشتند و خواستها و حرف کارگران را از طریق مجامع عمومی و شورا اعلام میکردند.

ما ایجاد "شوراهای کارگران عسلویه" را به کارگران این منطقه صنعتی و طبقه کارگر ایران تبریک میگوئیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۳ مه ۲۰۱۱

طبقه کارگر گروه فشار نیست ...

قدرتش را در اتحاد و تجمع اش زیر یک سقف در محیط کار است. بورژوازی هم دقیقاً همینجاست که میخواهد کارگر مطیع باشد و به سود و اموالش "دست درازی" نکند.

قدرت کارگر در سازمانیابی توده ای و در شرایط امروز اتحاد در مجامع عمومی و شوراهای محل کار و زیست و اعتراض و اعتصابات یکپارچه و متحد و سراسری علیه سیاستها و بنیادهای نظم ضد کارگری کنونی است. قدرت کارگران در اتحاد و تشکل مستقل تحت رهبری حزب کمونیستی خودشان و در تسخیر علنی خیابانها و میداين است. مارش انقلاب کارگری، مارش یک انقلاب علنی و گسترده و به بطور عینی و واقعی سازماندهی شده با افق و استراتژی آزادی و برابری و رفاه و سوسیالیسم است که تنها در سایه تشکل و تحزب کمونیستی طبقه کارگر به نتیجه خواهد نشست.*

قطعنامه کارگران عسلویه

روز جهانی کارگر مبارک

ما کارگران پالایشگاهها و فازهای عسلویه همراه با کارگران جهان 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر را گرامی میداریم. روز کارگر بر همه کارگران در ایران و جهان مبارک باد. ما از مبارزات کارگران در سراسر جهان که برای برخورداری از حرمت و یک زندگی شایسته و مرفه است پشتیبانی میکنیم.

کارگران عسلویه برای بهبود شرایط کار و حقوقها مبارزه میکنند. اعتراضات و اعتصابات یکماه اخیر در این جهت بوده که کارگران به خواسته های عادلانه شان برسند. ما کارگران مجدداً بر خواسته هایمان در روز کارگر تاکید و برای تحقق آنها تلاش میکنیم:

1- ما خواهان لغو قراردادهای سفید امضا و انعقاد قراردادهای روشن و با توافق مجمع عمومی کارگران هستیم.

2- ما خواهان کنار رفتن شرکتهای پیمانی بعنوان واسطه قرارداد و انعقاد قرارداد مستقیم کارگران با خود پالایشگاهها و پتروشیمی ها و تامین امنیت شغلی هستیم.

5- ساعات کار در حال حاضر طولانی و غیر قابل تحمل است. ما خواهان کاهش ساعت کار به 7:20 ساعت هستیم. اضافه کاری باید اختیاری باشد. حقوق اضافه کاری باید معادل دو برابر حقوق ساعات کار عادی باشد.

3- ما خواهان افزایش دستمزدها و پرداخت سر وقت دستمزدها هستیم.

4- وضعیت بهداشتی خوابگاهها و محیط زندگی کارگران بشدت آلوده است. ما خواهان بهبود جدی امکانات بهداشتی در خوابگاهها و اقدامات فوری برای رفع آلودگی محیط زندگی و کارمان هستیم.

6- وضعیت غذا و کیفیت و سرو آن نامناسب و همواره مورد اعتراض کارگران بوده است. ما خواهان سرو غذای مناسب و با کیفیت و گسترش امکانات غذاخوری هستیم.

7- امنیت محیط کار استاندارد نیست و مکرراً کارگران را قربانی و مصدوم میکند. ما خواهان استاندارد کردن امنیت محیط کار و نظارت مستمر کارگران بر آن هستیم.

8- ما خواهان بیمه درمانی و بهبود وضعیت امکانات درمانی و اورژانسی محیط کار هستیم.

شوراهای کارگران عسلویه

11 اردیبهشت 1390

زنده باد جنبش مجامع عمومی، زنده باد شوراهای کارگری!

کارگران! در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی تجمع طبیعی کارگران و ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است!

قطعهنامه مشترک

تشکلات کارگری به مناسبت

روز جهانی کارگر

اول مه ۲۰۱۱-۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز اتحاد و اعتراض جهانی کارگران به ستم و نابرابری نظام سرمایه داری است. این روز یاد آور مبارزات کارگران جهان برای دستیابی به حقوق انسانی شان است. کارگران ایران همراه با کارگران جهان این روز را گرامی میدارند و هر ساله در اعتراض به شرایط غیر انسانی خود در این روز گرد هم آمده و به هر طریق برای بدست آوردن حقوق حقه خود فریاد بر می آورند.

شور و شغف و رزمندگی کارگران در روز اول ماه مه و اعتراض آزادانه میلیونی آنان به شرایط زندگی شان در اکثر نقاط دنیا در حالی جهان را به لرزه میاورد که کارگران ایران علاوه بر محرومیت از حقوق اجتماعی خود از قبیل بر پائی تشکل و اعتراضات خیابانی، هر روزه و هر لحظه در معرض شدیدترین تهاجمات به زندگی و معیشت خود قرار دارند. هر گونه اعتراض و حق خواهی کارگران با بازداشت و زندان پاسخ میگردد، با طرح موسوم به هدفمند کردن یارانه ها که سرمایه داری حاکم با پشتیبانی نهادهای بین المللی سرمایه داری اجرای آن را آغاز کرده است در حال تباہ کردن بیش از پیش زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری هستند و کسی حق اظهار نظر آزادانه در این باره را ندارد، با افزایش سرسام آور قیمت‌های انرژی و تعطیلی کارخانه ها هر روزه صد ها و هزاران کارگر به صف میلیونی بیکاران رانده میشوند و در همین حال بیمه بیکاری را بیش از پیش به ضرر کارگران تغییر میدهند، اقدام به اخذ فرانشیز در بیمارستانها و مراکز درمانی تامین اجتماعی از کارگران میکنند و معیارهای

دیگری برای حقوق بازنشستگی می تراشند، بیمه کارگران ساختمانی را در وزارتوی راهروهای اداری ابرتر میکنند و در حالی که اقدام به افزایش سرسام آور قیمت‌های کالاهای اساسی کرده اند حداقل دستمزد کارگران را بطور توهین آمیزی ۹ درصد افزایش میدهند.

از نظر ما همه اینها برای میلیونها خانواده کارگری مستاصل از تامین حداقل معیشت در شرایط کنونی، معنایی جز درماندگی بیشتر برای گذران زندگی و تحمیل فقر و فلاکتی روز افزون بر آنها ندارد. اما ما کارگران نظاره گر مرگ تدریجی خود و همسر و فرزندانمان نخواهیم شد، ما تعرض هر روزه به زندگی و معیشت خود را بر نخواهیم تافت و متحد و یکپارچه در مقابل فقر و فلاکت و بی حقوقی اجتماعی تحمیل شده بر خود ایستادگی خواهیم کرد. در این راستا ما کارگران ایران با ابراز انزجار از وضعیت موجود، همگان را در تمامی نقاط کشور به طرح متحدانه و سراسری خواستها و مطالبات شان فرا میخوانیم و در شرایط حاضر خواهان تحقق بی درنگ مطالبات زیر هستیم:

1- آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، آزادی احزاب، تجمع و آزادی بیان و مطبوعات حق مسلم ما است و این خواسته ها باید ضمن برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیطهای

کار و زندگی، به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

2- ما جامعه ای را که اقلیتی صاحب ثروت و سرمایه های کلان باشند و اکثریتی هم نان شب نداشته باشند بر نخواهیم تافت. از نظر ما افزایش ۹ درصدی دستمزدها بویژه با توجه به اجرای طرح قطع یارانه ها و افزایش سرسام آور هزینه های زندگی اهانت به منزلت انسانی و حق حیات کارگران است. ما تعیین چنین سطح دستمزدی را تحمیل بیش از پیش فقر و فلاکت مطلق بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و با رد شیوه کنونی تعیین دستمزدها مصرانه خواهان توقف اجرای طرح قطع یارانه ها و تعیین دستمزدها توسط نماینده های واقعی کارگران بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز هستیم.

3- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استاندارد های بهداشت و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم

4- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

5- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند

6- به رغم اینکه سازمان تامین اجتماعی با دسترنج و پول کارگران به یکی از نهادهای دارای ثروت

نجومی در ایران تبدیل شده است اما این سازمان با قرار گرفتن در چرخه سود و سودآوری سرمایه تنها به فکر کاهش خدمات درمانی و دریافت فرانشیز از کارگران بیمار است. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب کارگران در سراسر کشور هستیم.

7- ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری و مردمی، خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی و دیگر جنبش های اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان و بر چیده شدن فضای امنیتی موجود هستیم

8- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم

9- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

10- کار کودکان باید ملغی گردد. برخورداری کودکان و والدین آنها از تامین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی شان، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی می باید برسمیت شناخته شود.

11- ما دگرگونی خواهی را حق مسلم تمامی



شش کارگر زنده در آتش سوختند!

سینا عیوضیان

در مشهد: درست در روز جهانی کارگر 6 کارگر ساختمانی در میان شعله ای آتش سوختند و تعدادی زخمی شدند. در قزوین: دوشنبه 12 اردیبهشت در پی انفجاری مهیب در یک واحد صنعتی در شهرک صنعتی البرز قزوین تعدادی کارگر کشته و زخمی شدند. این خبرها تنها گوشه ای از اتفاقاتی است که کارگران ایران با آن مواجه هستند.

کارگران بسیاری در جای جای جهان در هنگام کار با خطر مرگ یا نقض عضو روبرو می شوند و زندگی خود را از دست می دهند اما در بسیاری از نقاط جهان اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر برسمیت شناخته شده و تعطیل است. کارگران ایران نه از سر انتخاب بلکه به اجبار باید همچون دیگر روزهای زندگی پر مشقت خود در این روز هم به بردگی مزدی ادامه دهند. در ایران میلیونها کارگر با کار در چند شیفت مختلف در محیطی فاقد هر گونه امکانات بهداشتی و ایمنی حتی در ایام تعطیلی هم باید در مقابل دستمزدهای ناچیز بیگاری کنند تا به ثروت اندوزی آقایان سرمایه دار خدشه ای وارد نشود. در کنار عدم پرداخت حقوق معوقه کارگران، بیکار سازی و اخراجهای فردی و یا دسته جمعی غوغا می کند.

در بیشتر مواقع اعتراضات و اعتصابات یا با وعده های دروغین کارفرماها پاسخ می گیرد و یا با سرکوب و بازداشت و زندان فعالان کارگری پاسخ می گیرد. افزایش سرسام آور و مستمر تورم و گرانی، کارگران و خانواده های محرومان را بیش از پیش به فقر و فلاکت روز افزون محکوم کرده است. بیکاری، فقر، گرسنگی، بیسوادی، خیابان خوابی، کار کودکان همه و همه نتیجه مشقات تحمیل شده از طرف نظام سرمایه داری اسلامی حاکم بر ایران است. این نظام، اگر زورش برسد، هرگز ذره ای آزادی و رفاه، حق تشکل و اعتصاب، لغو قوانین تبعیض آمیز، لغو مجازات اعدام و آزادی بیان مردم بطور وسیع و به ویژه آزادی و تحرک طبقه کارگر را تحمل نمیکند. با اینحال مبارزات توده ای و کارگری توانسته است مرتباً سد اختناق را بشکند و هر روز صدای اعتراض و اعتصاب علیه این نظام ضد انسانی بلند باشد.

پیش شرط هر نوع آزادی سرنگونی جمهوری اسلامی است. بیش از پیش روشن میشود که این طبقه کارگر و کمونیسم است که باید قادر شود توده عظیم مردم را به اردوی آلترناتیو رهاییبخش و سوسیالیستی خود جلب کند و بر خرابه های رژیم اسلامی سرمایه یک جامعه آزاد و برابر و مرفه را پایه گذاری کند!

زنده باد اول ماه مه، زنده باد آزادی و برابری و حکومت کارگری! *

قطعنامه مشترک تشکلات کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر...

انسانها در سرتاسر جهان میدانیم و با حمایت قاطعانه از مبارزات و اعتراضات مردمی در تمامی کشورهای خاورمیانه، هر گونه سرکوب اعتراضات مردمی و بند و بست دولتها برای سمت و سو دادن به تغییرات از بالای سر مردم و دست اندازی و دخالت از سوی آنها در سرنوشت مردم کشورهای خاورمیانه را قویا محکوم میکنیم

12- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هرگونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها را به هر بهانه ای محکوم میکنیم

13- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم

14- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

زنده باد اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

1 مه 2011 - 11 اردیبهشت 1390

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان

هیئت بازگشایی سندیکای فلز کار مکانیک

کانون مدافعان حقوق کارگر

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

به نقل از سایتهای خبری

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

کارگران فرش ستاره طلایی (پا تریس) دلیجان

یکماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، امروز با گذشت ۱۲ روز از پایان فروردین ماه هنوز بیش از ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه فرش طلایی (پاتریس) دلیجان دستمزدهای فروردین ماه را دریافت نکرده اند. خواست و پیگیری کارگران برای نقد شدن دستمزدها بعثت مخالفت و کار شکنی قاسمی مالک و مدیر کارخانه عملاً به هیچ نتیجه ای نرسیده است. قاسمی و عواملش با چرب زبانی به کارگران میگویند: ما وضعیت شماها را درک میکنیم، کل اوضاع خراب است. وضعیت اقتصادی جامعه خراب شده، باید تحمل کنید و صبور باشید. البته چرب زبانی و وعده های دروغ تنها حربه قاسمی و همدستانش برای فریب کارگران نیست. این حضرات سرمایه دار و نو کیسه در بسیاری از مواقع با حمایت اداره کار و مراکز اداری کارگزار و نوکر حکومت اسلامی سرمایه داران بی هیچ عذر موجهی و به بهانه های بی اساس کارگرانی را که نسبت به شرایط سخت کار و سطح نازل و تاخیر در پرداخت دستمزدها اعتراضی داشته اند از کار اخراج و بیکار نموده اند.

یکی از کارگران میگفت: وقتی این قاسمی به ما میرسد همه دنیا خراب شده و سقف آسمان فرو ریخته است. اوضاع اقتصادی به هم ریخته و بحران و خشکسالی و بی پولی و کساد بازار و همه جا رو گرفته! آخر یکی نیست به این بابا به این دروغگوی رذل بگه اگه بازار خرابه چرا کارخانه ات بطور شبانه روزی و ۳ شیفته بدون توقف مشغول کار است؟ چرا اگه خط تو لید ۱۰ دقیقه متوقف بشه از حرص میخوای سخته کنی! راست راستی اگه بازار و کار و کاسبیت خرابه مگر دیوانه ای کارخانه رو باز گذاشته ای؟ اگه راست میگوئی این جهنم رو تعطیلش کن، هم خودت و هم ما را خلاص کن!

کارخانه فرش ستاره طلایی (پاتریس) واقع در دلیجان اصفهان با بیش از ۶۰۰ نفر کارگر قرار دادی، با قرار دادهای سفید امضا و یکطرفه یکساله و دستمزدهای ۳۳۰ هزار تومانی که هنوز کسی رنگش را هم ندیده و ۳ شیفت شبانه روزی ۸ ساعته کاری، تولید کننده انواع فرشهای بسیار مرغوب و ممتاز ستاره طلایی میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۴ مه ۲۰۱۱

اول مه در ایران

بنا به گزارشات دریافتی و اخبار منتشر شده در سایتهاى مختلف خبری، کارگران در ایران امسال در اجتماعات کوچک و بزرگ و بخشا در محل کار روز اول مه را گرامی داشتند.

- شوراهای کارگران پالایشگاههای مرکز صنعتی عسلویه با پخش شیرینی و تبریک گفتن به همدیگر و توزیع قطعنامه اول مه اینروز را گرامی داشتند.

- تشکلهای سندیکائی و تشکل فعالین کارگری طی قطعنامه مشترکی بر خواستههای کارگران در اول مه تاکید کردند. جمعهای کارگری در شرکتهاى مختلف از جمله ایران خودرو و هفت تپه با صدور قطعنامه و تاکید بر خواستههای کارگران اینروز را گرامی داشتند.

- گروههایی از طرفداران طبقه کارگر در اینروز بویژه در سنج و کامیاران مراسم گل گشت برگزار کردند.

- در شهر سنج مراسم با حضور بیش از ۲۰۰ نفر برگزار شد. این تجمع که بدعوت فعالین مستقل فراخوان داده شده بود مورد توجه کارگران و مردم در محل قرار گرفت. اجتماع کنندگان قصد راهپیمائی در خیابانهای شهر را داشتند که بلافاصله با مانع نیروی سرکوب روبرو شدند. کارگران با حفظ هوشیاری مراسم را بپایان رساندند.



- اخبار تائید نشده ای از اجتماع کارگران در برخی از شهرهای خوزستان نیز منتشر شده است.

- مراسمهای کوچکتری در برخی از محلات کارگری شهرهای ایران برگزار شده است که اخبار دقیق آنها هنوز دریافت نشده است.

مشخصه اول مه امسال در ایران اعتراض کارگران علیه فقر و فلاکت و سیاست ارتجاعی و ضد کارگری حذف سوبسیدها بود. کارگران در عین حال که بر خواستههایی چون افزایش دستمزدها، حق تشکل و اعتصاب، لغو کار قراردادی و غیره تاکید داشتند، از مبارزات و تحریکات انقلابی کارگران در کشورهای منطقه و شمال آفریقا و سراسر جهان علیه سرمایه داری دفاع کردند.

غالب حسینی، وفا قادری، یدالله قطبی و خالد حسینی را آزاد کنید!

بنا بر گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ خانوادههای کارگران بازداشت شده در سنج با همراهی غالب حسینی، وفا قادری، یدالله قطبی و خالد حسینی از زندان شدند. بیاورند و با محاصره تجمع کنندگان مانع پیوستن مردم به آنان شوند.



در تجمعیهای مختلف اول مه بیش از ۶۰۰ نسخه از اطلاعیه های حزب به زبان سوئدی و فارسی



را پخش کردند. همینطور شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران در استکهلم عصر روز اول مه مراسمی بمناسبت روز کارگر در کافه مارکس استکهلم برگزار کرد که با استقبال خوبی روبرو شد. در این مراسم تعدادی از فعالین شورا و حضار سخنرانیهای کوتاهی ایراد کردند. سیاوش دانشور از جمله سخنرانان این مراسم بود.

انگلستان: روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر در میدان ترافالگار و خیابانهای لندن گرامی داشته شد. در این روز به فراخوان کمیته برگزاری مراسم اول مه، هزاران نفر با پرچمهای سرخ و کمونیستی و شعارهایی علیه نظام سرمایه داری و فریادهای زنده باد سوسیالیسم، در خیابانهای



مرکزی لندن راهپیمایی کردند. فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری - تشکیلات انگلستان نیز با پخش ده ها نسخه از اطلاعیه حزب بمناسبت اول ماه مه، در دست داشتن پلاکارد زنده باد سوسیالیسم و مرگ بر سرمایه داری، عکس مارکس و منصور حکمت و میز اطلاعاتی حزب در میدان ترافالگار در این مراسم شرکت کردند. سیاوش عباسی اطلاعیه حزب را قرائت کرد.

ترکیه: روز یکشنبه برابر با یک مه تشکیلات

علیه بشریت بود. مردم با عکس گرفتن از این باندرول و قرار دان امضای خود بر پتیشن مرکز پیگرد سمپاتی خود را به خواست مردم ایران که همانا سرنگونی رژیم



اسلامی سرمایه است نشان میدهند. اطلاعیه حزب بمناسبت اول مه، نه به سرمایه داری! یک دنیای بهتر ممکن است! به زبان انگلیسی، فارسی و سوئدی و اطلاعیه مربوط به خیزشهای انقلابی در کشورهای خاومیانه و شمال افریقا توسط اعضای حزب در اختیار همه قرارگرفت. آخرین نشریه های حزبی و کتب و ادبیات حزبی نیز در دسترس بازدیدکنندگان از چادر اطلاعاتی حزب قرار داشت. همچنین اعضاء و کادرهای حزب تلاش کردند هرچه بیشتر رژیم سرکوب و جنایات جمهوری اسلامی سرمایه را افشا کرده و



مراجع کنندگان به میز اطلاعاتی حزب را با مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه کارگران و مردم ایران آشنا کنند. همه جا بحث و صحبت از بی اعتباری سرمایه داری و به زیر کشیدن نظام مبتنی بر برده داری مزدی بود. همه بر اتحاد انترناسیونالیستی طبقه کارگر تأکید می کردند. کم کم به ساعت یک بعد از ظهر نزدیک شدیم. ده ها سازمان، حزب و تشکل مدافع حقوق کارگر صفهای خود را در خیابانها اطراف میدان سازمان دادند. مردم از پیرو جوان از مقابل میدان "آهن" به سمت مرکز شهر رژه رفتند و با سرود انترناسیونال ندای رهایی بشریت سر می دادند.

در استکهلم اعضای حزب با شرکت

گزارش مراسم اول ماه مه در خارج کشور

پایان حمله نظامی به لیبی و خروج نیروهای نظامی دولت هلند از منطقه یکی دیگر از مطالباتی بود که در این اعتراضات و سخنرانی ها طرح شد. همبستگی و اتحاد طبقاتی کارگران علیه دول سرمایه داری خودی را به شعف وامیداشت.

سوئد: اعضاء، کادرها و دوستاناران حزب در شهرهای استکهلم و گوتنبرگ در مراسم روز کارگر شرکت کردند. میدان "آهن" شهر گوتنبرگ یکی از میادین معروف جهان است که از هر ساله هزاران انسان معترض به این دنیای واران را به خود جلب می کند. طبق سنت همیشگی احزاب و سازمانهای مدافع حقوق کارگر از ساعتها قبل از تجمع مردم و شروع راهپیماییها اقدام به برپایی چادرهای اطلاعاتی می کنند. همه جا سرخ است! همه روز جهانی اتحاد بین المللی

کمیته خارج کشور حزب در پی فراخوان حزب اتحاد کمونیسم کارگری به شرکت در مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر، واحدهای حزب در کشورهای مختلف در این مراسم شرکت کردند.

هلند: مراسمهای متفاوتی در شهرهای اوترخ، رتردام، آمستردام و لاهه برگزار شد. فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری علاوه بر شرکت در این مراسم به پخش صدها بیانیه حزب به مناسبت اول ماه می و بیانیه دفتر دفاع از حقوق پناهندگی حزب در رابطه با نقض حقوق



پناهندگی دولت هلند را به زبان انگلیسی در بین شرکت کنندگان پخش کردند. لازم به ذکر است که حضور پلاکارها و باندرول حزب با عکس منصور حکمت توجه بسیاری از شرکت کنندگان در مراسم را بخود جلب نمود. در این اعتراضات خیابانی که در هر یک جمعیتی بالغ بر هزاران نفر



کارگر را بهم تیریک می گویند! ساعت 10 صبح کم کم حضور بازدیدکنندگان از مراسم و میزهای اطلاعاتی شروع می شود. از همه طرف صدای سرود انترناسیونال شنیده می شود. آنچه که بیشتر از همه چیز جلب توجه می کرد باندرول مرکز پیگرد سران رژیم به جرم جنایت



بچشم میخورد، تظاهر کنندگان خواهان لغو سیاستهای گروکشی اقتصادی دولتهای سرمایه داری، که نتیجه ای جز تحمیل فقر و فلاکت به طبقه کارگر و محرومین جامعه و گذاشتن بار بحران بر دوش این طبقه نداشته، شدند.

گزارش مراسم اول ماه مه در خارج کشور ...

حزب اتحاد کمونیسم کارگری واحد ترکیه همراه با دیگر احزاب چپ ترکیه در خیابانهای آنکارا از ساعت ۱۰ صبح گردهم آمده و پرچمهای سرخ را به اهتزاز در آوردند. همراهی پرشور مردم آزادی خواه و برابری طلب با هم



خوانی به زبان فارسی مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم، کارگر زندانی آزادی آزادی، و کارگران جهان متحد شوید حمایت خود را اعلام داشتند. در این بین اطلاعیه های حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مناسبت اول ماه مه به طور وسیع پخش شد و مورد استقبال قرار گرفت. همچنین شعارهایی از جمله



برابری جنسی، نابود باد فاشیسم، نابود باد میلیتاریسم، نابود باد کاپیتالیسم، زنده باد سوسیالیسم، تنها راه برقراری جمهوری سوسیالیستی، و سرود انترناسیونال از طرف احزاب چپ حاضر در تجمع طنین انداز شد. همچنین تشکیلات حزب اتحاد کمونیسم کارگری واحد ترکیه ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر در مقابل سفارت مزدوران جمهوری اسلامی تجمع کردند و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی اعتراض خود را به حکومت سرمایه داران اسلامی آغاز کردند. تظاهر کنندگان سپس با سر دادن شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد و کارگر

کارگر زنده به کار توایم - اسانلو میگوید حمایت حمایت، اعدام لغو گردد و بسیاری دیگر شعار به اعتراض خود ادامه دادند. کمونیستها و آزادی خواهان در صف اعتراض به حکومت ارتجاع اسلامی خیابانها را سرخ پوش کردند. تشکیلات حزب اتحاد کمونیسم کارگری واحد ترکیه اول ماه مه را به تمامی آزادی خواهان و کمونیستهای جهان تبریک میگوید. زنده باد اول ماه مه زنده باد همبستگی طبقاتی بین المللی مرگ بر جمهوری اسلامی نابود باد سرمایه داری زنده باد مارکس زنده باد منصور حکمت زنده باد سوسیالیسم.

کانادا: فعالین و کادرهای حزب در کانادا در شهرهای تورنتو و اتاوا در مراسمها و متینگهای اول ماه مه شرکت کردند. در اتاوا فعالین حزب با پرچم مارکس و شعارهای



مرگ بر سرمایه داری و زنده باد حکومت کارگری در راهپیمایی اول ماه مه شرکت



کردند. در این مراسمها اطلاعیه های حزب به مناسبت اول ماه توزیع شدند.*

کارگران شرکت مهندسين مشاور يكم يكماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، هم اکنون با گذشت ۸ روز از پایان فروردین ماه بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران شرکت عمرانی مهندسين مشاور يكم دستمزدی دریافت نکرده اند. لازم به یاد آورست دستمزدهای اسفند ماه سال گذشته را هم نیز همین چند روز پیش به کارگران پرداخته اند. کارگران ناراضی و معترض مصرانه خواهان دریافت دستمزدهای ناچیزشان هستند اما در مقابل "شنتیا" مدیر و از سهامداران اصلی شرکت به همراه همدستانش به انحاء مختلف از پرداخت دستمزد کارگران خودداری می ورزند و با وعده های دروغ امروز و فردا کارگران را در سرگردانی و ابهام فرو برده اند.

یکی از کارگران میگفت: ما با کار شبانه روزی و طاقت فرسا، با زندگی در کمپهای کثیف و غیر بهداشتی و فاقد امکانات و دوری از خانواده هایمان، با دستمزدهای بسیار ناچیز و چند برابر زیر خط فقر که آن را هم به موقع نمیپردازند، برای شنتیا و همدستان دزدش درآمدهای میلیاردي تولید میکنیم. آن وقت ما کارگران را در وضعیتی گذاشته اند که معلوم نیست که آیا فردا ما را بر سر کار نگه میدارند یا نه؟ آیا دستمزدهایمان را میدهند تا اجاره خانه های عقب افتاده مان را بدهیم یا نه؟ این آقایان سرمایه دار انگل و حکومت اسلامیشان زندگی ما را در ناامنی و فقر و محرومیت مطلق فرو برده اند.

شرکت عمرانی مهندسين مشاور يكم با بیش از ۲۰۰۰ نفر کارگر قرار دادی با دستمزدهای ۳۳۰ هزار تومانی و تعدادی کارگران ساعت مزد که دریافتیشان کمتر از کارگران قراردادی است، مجری و سازنده انواع پروژه های عمرانی و سد سازی است. هم اکنون تعدادی از کارگران در پروژه احداث سد بیجار شهر در استان گیلان و تعدادی نیز در طرحهای عمرانی در لنگرود و لاهیجان و بخشی از کارگران در پروژه های احداث سد در افغانستان و ... مشغول به کارند. ساعت کاری کارگران ظاهرا از ۸ صبح تا ۵ شب است، اما اضافه کاری اجباری تا شب و کار در همه ایام تعطیل برقرار است. آنهم در ازای دستمزدهای ناچیز و حداقلی که با تاخیر و انواع کار شکنی پرداخت میشود. دفتر مرکزی شرکت در چهار راه طالقانی و خیابان زرتشت تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۳۰ آوریل ۲۰۱۱

نه به اعدام!

"آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلا د سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

شرکت مخابراتی موج آسا

اعتراض جمعی کارگران نتیجه داد!

بنا به خبر دریافتی، سرانجام پس از چند روز کشمکش بین کارگران و عوامل کار فرما بر سر افزایش ساعت و حجم کار، کارگران موفق شدند با اعتراض جمعی خود کارفرما را وادار به عقب نشینی نموده و شرایط کاری را به همان وضعیت سابق باز گردانند.

ماجرا از این قرار بود که "قانع" مدیر شرکت مخابراتی موج آسا از 10 نفر از کارگران بخش کابل هوایی خواسته بود که در جهت صرفه جویی بیشتر و کاهش هزینه ها، روزانه و حتی روزهای تعطیل چندین ساعت به ساعت کاریشان اضافه شود بدون آنکه در ازای این کار اضافی و استثمار مضاعف دستمزدی به کارگران پرداخت شود. علاوه بر این، اجرای این طرح موجب قطع مبالغ اضافه کاری دریافتی 15 نفر از کارگران بخش کابل زمینی هم میشد. قانع مدیر شرکت موج آسا گفته بود: فرماندهان سپاه پاسداران در اداره مخابرات از او خواسته اند که در "سال جهاد اقتصادی" که هدفشان کاهش هزینه ها و صرفه جویی بیشتر است، بر ساعات کار کارگران بیافزایند و از دستمزدها بکاهند.

این سیاست ضد کارگری کارفرما و عوامل جنایتکار حکومت اسلامی در همان اولین روزهای خود آنچنان با خشم و عصبانیت و اعتراض جمعی کارگران روبرو شد که کارفرما در هراس از گسترش اعتراض و اعتصاب کارگران با دستپاچگی طرح شان را پس گرفتند و با پیروزی کارگران فعلا شرایط کار به روال سابق بازگشته است. کارگران از این موفقیت بدست آمده به وجد آمده و این پیروزی را نتیجه اتحاد و اعتراض جمعی خودشان میدانند.

شرکت مخابراتی موج آسا بخش منطقه 5 تهران با بیش از 25 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای فعلا 300 هزار تومانی، سابقه کاری 2 تا 10 سال و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کار اجباری تا پاسی از شب و کار در ایام تعطیل، ارائه دهنده خدمات مخابراتی در منطقه 5 تهران میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۳۰ آوریل ۲۰۱۱

کارگران شرکت کامپیوتری فارسی وب

دستمزدهای فروردین ماه معوق!

بنا به خبر دریافتی، هم اکنون با گذشت 11 روز از پایان فروردین ماه 15 نفر از کارگران شرکت خدمات کامپیوتری فارسی وب دستمزدهایشان را دریافت نموده اند. کارفرما در جواب کارگرانی که دستمزدهایشان را میخواهند با وعده امروز و فردا و گاهی با نشان دادن چنگ و دندان و تهدید به اخراج و بیکار سازی کارگران همچنان از پرداخت دستمزدها طفره میبرد.

یکی از کارگران میگفت: با این دستمزدهای حداقل و ناچیز و چند برابر زیر خط فقر، با این همه تاخیر و کار شکنی در پرداخت همین چندرغاز دستمزدها، با سیاست حذف یارانه ها توسط حکومت اسلامی سرمایه داران که دزدی آشکار از سفره و نان شب مردم است، با این همه گرانی و تورم که هر روز و لحظه لحظه سر به آسمان میکشد، زندگیمان را در فقر و محرومیت مطلق فرو برده اند. در تمام شبانه روز با کابوس فقر و بیکاری و شرمندگی از خانواده هایمان کلنجار میرویم و هر روز تلخ تر و سیاه تر از دیروز. با قرار دادهای موقت و سفید امضا و ترس از اخراج و بیکاری، با بسجی و پاسدار و زندان و شکنجه این زندگی جهنمی را برایمان ساخته اند.

شرکت کامپیوتری فارسی وب با 15 نفر کارگر قرار دادی با قرار دادهای یکساله و سفید امضا با دستمزدهای ظاهرا 330 هزار تومانی که هنوز پرداخت نشده و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و بسیاری مواقع با اضافه کاری اجباری ارایه دهنده انواع خدمات سخت افزار و نرم افزاری کامپیوتر میباشد. دفتر شرکت در خیابان آزادی تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۴ مه ۲۰۱۱

کارگران شرکت بهدارو درمان

اخراج و 8 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، طی یک ماه گذشته 16 نفر از کارگران شرکت بهدارو درمان بی هیچ عذر موجهی و بنا به دستور "مهری فرد" مدیر شرکت از کار اخراج شده اند. کارگران اخراجی در شرایطی از کار بیکار و اخراج شده اند که 7 ماه دستمزد از سال گذشته و عیدی و پاداش پایان سال را نیز دریافت نکرده اند. مراجعات مکرر کارگران اخراجی به کارخانه برای دریافت دستمزدهای معوق بی نتیجه بوده و مهری فرد به کارگران گفته است باید صبر کنید، والا به هر کجا میخواهید شکایت کنید و...

هم اکنون این کارگران اخراجی با جیب خالی و سرگردانی بین کارخانه و اداره کار و دیگر مراکز حکومت اسلامی سرمایه داران با جوابهای سربالا و بدون نتیجه سر دوانده میشوند. علاوه بر این کارگران 160 نفر دیگر از کارگران شاغل در شرکت از شهریور ماه سال گذشته تا به امروز 8 ماه است که دستمزدی دریافت نکرده اند. علاوه بر این کارفرما به بهانه "نداریم و نیست" حتی از پرداخت پاداش پایان سال و عیدی کارگران نیز خودداری نموده است. در این مدت 8 ماه جواب مهری فرد و همدستانش به کارگران معترض وعده های دروغ و پوچ امروز و فردا و تهدید به اخراج است. در مواقعی هم اقدام به پرداخت مساعده های ناچیزی نموده اند.

یکی از کارگران میگفت: 4 ماه است اجاره خانه ام عقب افتاده، کلی قرض و بدهکاری و شرمندگی بالا آورده ایم. از صبح تا شب هم برایشان کار میکنیم آخر شب که به خانه میرسیم حوصله خودمان و زن و بچه را هم نداریم. این یعنی مرگ تدریجی که برایمان درست کرده اند.

شرکت بهدارو درمان با بیش از 160 نفر کارگر قرار دادی با قرار دادهای یکساله سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای 300 هزار تومانی پرداخت نشده و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کار اجباری تا شب و کار در همه ایام تعطیل، تهیه و توزیع کننده انواع دارو و طرف قرار داد داروخانه ها و بیمارستانها میباشد. مهری فرد مدیر شرکت و شرکای دزدش در سایه حمایت حکومت اسلامی و از قیل استثمار وحشیانه کارگران و نپرداختن دستمزدها و همچنین با باند بازی و زد و بند با عوامل حکومتی و فروش داروهای کلمیاب و گرانیقیمت در بازار آزاد سودهای میلیاردی به جیب میزنند. دفتر شرکت در خیابان زرتشت تهران و انبارهای دارویی شرکت در منطقه کهریزک میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۴ مه ۲۰۱۱

تروریسم سازمانهای منتسب به این مردم، اعم از اسلامی و غیر اسلامی، وجود نداشته و ندارد. این سوء استفاده و سرمایه ساختن جریانات و جناحهای بورژوازی، اعم از دولتی و غیر دولتی، از مصائب مردم محروم است. این تروریسم نه فقط در مبارزه رهانبخش کارگری جایی ندارد، بلکه محکوم کردن و از میدان بدر کردن آن توسط طبقه کارگر بویژه در کشورهای منطقه یک شرط حیاتی قرار گرفتن کارگر در راس مبارزه اجتماعی برای پایان دادن به این مصائب است.

موج جدید آدمکشی اسلامی، بخصوص در شمال آفریقا، دیگر ظاهرا حتی از این قبیل توجیهات سیاسی هم بی نیاز است. یک عمامه و یک تفنگ تمام چیزی است که برای شروع این جهاد کثیف علیه انسانیت کفایت میکند. این گانگستریسم اسلامی است، و سرمنشاء آن رژیم حاکم در ایران است. تکلیف این جریان نیز در ایران یکسره خواهد شد.

اولین بار در آذر ۱۳۷۳، نوامبر ۱۹۹۴، در شماره ۱۶ انترناسیونال منتشر شد.



ستون آخر،

تروریسم اسلامی*

منصور حکمت

یعنی با استناد به جنایات و نسل کشی های غیر قابل توصیف فاشیسم هیتلری و جریانات ضد یهود در کشورهای مختلف علیه مردم یهود، سرکوب خشن مردم محروم فلسطین و کشتار هرروزه جوانان فلسطینی را توجیه کرده است.

این نوع استدلال، و تروریسم کوری که به استناد به آن در خاورمیانه، چه از طرف سازمانهای عرب و فلسطینی و چه از طرف دولت اسرائیل، جریان یافته است، همواره از نظر کمونیسم و طبقه کارگر ورشکسته و محکوم بوده و هست. کوچکترین ارتباط واقعی و مشروعی میان مصائب هولناکی که در قرن اخیر بر مردم یهود رفته است با سرکوبگری ها و جنایات دولت و راست افراطی در اسرائیل علیه فلسطینیان، وجود نداشته و ندارد. کوچکترین ارتباط واقعی و مشروعی میان مشقاتی که مردم محروم فلسطین کشیده اند با

نه بديده تحسین، لاقفل به دیده اغماض مینگریست. ظلمی که به ملت های محروم و خلقهای تحت ستم روا داشته میشد به زعم اینان این تروریسم را بعنوان عکس العملی مشروع توجیه میکرد. تروریسم گروههای فلسطینی، جریانات مسلمان و یا ارتش جمهوریخواه ایرلند، که قربانیانشان را بطور روز افزونی مردم بی دفاع و بی خبر غیر نظامی تشکیل میدادند، نمونه های برجسته این تروریسم «مجاز» در دوره های قبل بودند، تروریسمی که ظاهرا به ظلمهای گذشته و حال پاسخ میداد، تروریسمی که ظاهرا در عکس العمل به خشونت و سیاستهای ضد انسانی دولتها و قدرتهای سرکوبگر پدیدار شده بود. جالب اینجاست که دولت اسرائیل نیز در طول سالها دقیقا با عین همین استدلال،

موجی از آدمکشی های اسلامی، خاورمیانه و شمال آفریقا را فرا گرفته است. قربانیان این موج عادی ترین مردم عادی اند، در مصر و الجزایر اتباع خارجی را اعم از کارگر و توریست و بازنشسته به گلوله میندند و سر میبرند، صف کودکان دبستانی را با بمب کشتار میکنند، دختران جوانی را که از ازدواج اجباری سر باز زده باشند به خون میکشند. در تل آویو عابران بیخبر را، از کودک و پیر و جوان، در خیابان و اتوبوس به قتل میرسانند. و قهرمانانه، از اسرائیل تا الجزایر، به بشریت متحیر اطمینان خاطر میدهند که این «مبارزه مسلحانه» ادامه خواهد یافت.

زمانی بود که چپ سنتی و «ضد امپریالیست» خشونت های کور و تروریسم عنان گسیخته جریانات جهان سومی و ضد غربی را اگر

کمونیسم کارگری

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه داری متکی است. نقدی از زاویه طبقه کارگر مزدی در این جامعه و به این اعتبار حقیقی و انقلابی. تلقی زحمتکشان و تولید کنندگان غیر پرولتر از آزادی و برابری و سعادت بشر، چه امروز و چه در جوامع پیشین، به ناگزیر انعکاسی از مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه و موقعیت خود آنان در رابطه با تولید و مالکیت است. تلقی برده از آزادی بناچار چندان از لغو برده داری فراتر نمیرفت و تجسم رعیت یا صنعتگر خرده پای شهری از برابری چیزی بیش از برابری در حق مالکیت نمیتوانست باشد. اما، با ظهور پرولتاریا بعنوان توده عظیم تولید کنندگان فارغ از هر نوع مالکیت و وسائل تولید، طبقه ای که اسارت و استثمار اقتصادی اش، دقیقا بر آزادی حقوقی اش بنا شده است، افق آزادیخواهی و برابری طلبی از اساس دگرگون شد. پرولتاریا نمیتواند آزاد شود بی آنکه جامعه بطور کلی از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تقسیم طبقاتی رها شود. برابری امری نه صرفا حقوقی، بلکه همچنین و در اساس اقتصادی - اجتماعی است.

کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام ترین و عمیق ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه داری و مصائب آن را نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عملی این جنبش بر نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن ترین و پیشرفته ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!